

حاشیه‌نگاری «فرهیختگان» از یک کنفرانس خاص

حلول روح قلعه‌نویی در کالبددایی

قول خودش می‌خواست برخی حقایق پشت‌پرده را عیان کند، رگ گردنش بیرون زده و با خشم و عصبانیت خاصی آنها را بیان می‌کرد تا همگان به جدی بودن این اظهارات ایمان بیاورند.

امیر یا دایی؟!

بعد از پرسش و پاسخی که او با خبرنگاران داشت، نشست خبری دایی بعد از حدود ۴۵ دقیقه با پخش یک آهنگ اساطیری در وصف دایی به پایان رسید و جالب، نمایش عکس علی دایی با سرپند یازها در دقایق پایانی این نشست بود. در نهایت هم دایی در حالی که روح قلعه‌نویی به کالبدش حلول کرده بود، با شعار معروف وی یعنی «عز من تشاء وتدل من تشاء» عزت و ذلت دست آن بالایی است. همه چیز را از آن بالایی دارم. خیلی جاها می‌خواستند ما را زمین بزنند ولی نتوانستند، به صحبت‌هایش پایان داد.

عکس باران بعد از نشست

دایی به محض پایان کارش در جمع خبرنگاران و دوستدارانش عکس باران شد و در نهایت هم او با عکس یادگاری با اصحاب رسانه، محل نشست را ترک کرد. کنایه علی دایی به یکی از خبرنگاران درشت اندام هم خیلی جالب بود. در حالی که این خبرنگار به واسطه اندامش جمعی از خبرنگاران را ماسکه کرده بود، دایی به او با خنده گفت: «جان کوچولو! بشین» تا صدای قهقهه حضار بلند شود.

صحبت‌های مهم دایی

قبل از بازی ذوب‌آهن اخراج شده بودم

حق طبیعی یک باشگاه است که مربی‌اش را اخراج کند. خدا را شکر می‌کنم به خاطر احقاق حق اخراج شدم. جز این چیزی نیست. شاید شما خیلی چیزها را ندانید. من قبل از بازی با ذوب‌آهن اخراج شده بودم.

از اسم کارگر سنگر ساختند

آقایان دلایلی آورده‌اند که خودم در آن مانده‌ام. در حکم اخراجم از واژه مقدس کارگر سوء استفاده کردند. از این واژه سنگر ساختند و پشت سرش قایم شدند. همیشه کنار کارگر بوده‌ام، افتخارم این است. از آقایان می‌پرسم شما کجا بودید؟ حداقل من علی دایی سال‌ها به خاطر کاری که انجام داده‌ام، دل کارگران را خوشحال کرده‌ام. در تیم ملی شاید خیلی اوقات اتفاقاتی افتاده که به کمک هم بازی‌هایم دل کارگران را خوشحال کنیم. آقایانی که ادعا دارید، کجا بودید؟ من گفتنم پراید گران شده، تیبیا گران شده، آیدروغ گفتیم؟ من درد جامعه را گفتم. از باشگاه سایپا خواستم به

تعهداتش عمل کند. کجای این بی‌احترامی به کارگر بود؟ شما که تعهدات‌تان را نسبت به مردم انجام نداده‌اید. پول مردم را گرفتید و تا الان به تعهدات‌تان عمل نکرده‌اید. مردم زبونیت نام کردند و شما می‌خواهید ماشین دیگری به آنها بدهید که معلوم نیست کی و کجا این اتفاق بیفتد. آیا مقابل کارخانه شما مردم اعتراض کرده‌اند یا جلوی خانه‌ها محل کار من؟

سه بار اخراج شدم؛ هر سه بار غیرورزشی

سه بار در فوتبال اخراج شدم و هر سه بار غیرورزشی بود. یک‌بار رئیس جمهور وقت مرا از تیم ملی برکنار کرد، یک‌بار وزیر ورزش از پرسپولیس و یکی هم الان. آقایانی که مرا اخراج کردند، کجا هستند؟ نمی‌دانم چه کسانی مرا اخراج کردند. پنجشنبه، روز تولد دوباره‌ام بود. انگار دوباره از مادر متولد شدم. سخت است با کسانی کار کنید که دوست نداشته باشند موفق باشید. سرم‌را زیر بیرق هیچ کس خم نمی‌کنم؛ نه چپی و نه راستی. فقط زیر بیرق آقا امام حسین (ع) هستم، نه هیچ کس دیگر.

هویت مدیرعامل سایپا جعلی است!

مصطفی مدیر، مدیرعامل باشگاه برای من حضور حقیقی ندارد. تاجایی که ذهن ناقصم یاری می‌کند و من ایشان را می‌شناسم، از زمانی که ریاست حراست سازمان صداوسیما را برعهده داشت، نامش سردار غفور بوده است. برای من جالب بود که مدیر را برای اولین بار در برنامه نود دیدم و گفتند مصطفی مدیر، رئیس سازمان توسعه و تجهیز! تلویزیون را نگاه نمی‌کردم ولی صدا آشنا بود. وقتی تلویزیون را دیدم، متوجه شدم همین سردار غفور خودمان اردبیلی است! اینکه ایشان چطور مصطفی مدیر شده است، برایم سوال است! کاش یکی از سازمان ثبت احوال اینجا بود و می‌توانستم سوال کنم آیا یک نفر می‌تواند کل اسم و فامیلش را عوض کند؟ مگر می‌شود با عوض کردن شناسنامه، گذشته طلایی و شخصیت را عوض کنی! متأسفانه موقعی نامه اخراج به دستم رسید که به کسی دسترسی نداشتم. از شنبه پیگیری می‌کنم. کسی که به اسم مدیر، نامه را امضا کرده و قبلاً سردار غفور بوده، می‌تواند مرا اخراج کند؟

مردم مربی در حد کی‌روشی می‌خواهند

من در جایگاهی نیستم که درباره ایرانی یا خارجی بودن مربی تیم ملی حرف بزنم. مردم دوست دارند مربی بزرگ خارجی باشد. آیا فدراسیون می‌تواند با این وضعیت دالر، مربی خوب خارجی بیاورد؟ مردم دوست دارند مربی خوب خارجی در سطح کی‌روش بیاید. فکر می‌کنید چنین اتفاقی می‌افتد؟

و هم حمید درخشان برای معارفه‌اش حاضر شد. بین هواداران و لیدرها دو دستگی به وجود آمد و محمد پنجعلی به خاطر شرایط به‌وجودآمده از سمت سرپرستی تیم استعفا داد. در نهایت کار دایی با پرسپولیس در ۱۹ شهریور ۹۳ به اتمام رسید.

صبای قم

یک سال و دو ماه بعد، دایی به لیگ برتر برگشت؛ این بار با هدایت تیم صبای قم. یک سال حضور در این تیم که با مشکلات مالی فراوانی همراه بود. بعد از پایان لیگ پانزدهم مالک جدید روی کار آمد و اعلام کرد دایی را برای فصل بعد به‌خاطر دستمزد بالای خودش و دستیارانش نمی‌خواهد. باز هم شاهد مصاحبه‌هایی بین شهریار و مدیران باشگاه صبا بودیم، اما این بار اوضاع آنچنان وخیم نبود. پیش از پایان لیگ شانزدهم قطع همکاری صورت گرفت.

نفت تهران

۱۵ تیرماه سال ۱۳۹۵ و ششمین تیم‌علی دایی و باز هم یک تیم تهرانی، این بار شهریار نفت را انتخاب کرد. بی‌پولی عجیب‌نفتی همه‌را به‌استو آورده بود، اما با این وجود دایی توانست با این تیم به مقام قهرمانی جام حذفی برسد و همه را شگفت زده کند. او پس از خدا حافظی تیمش در یک مصاحبه احساسی اعلام کرد با اینکه جدایی از شاگردانش برای او سخت خواهد بود، اما دیگر کاری با نفت ندارد و حاضر نیست با آنها تحت هیچ شرایطی به همکاری ادامه دهد. او معتقد بود مدیران باشگاه مدت‌هاست تیم را رها کرده‌اند و بازیکنانش «مردانه» به میدان می‌روند.

سایپا

بازگشت دوباره به سایپا در ۲۲ اردیبهشت ۹۶؛ دایی با آنها در لیگ هفدهم به سهمیه آسیایی رسید و در لیگ هجدهم به‌رغم مشکلات مالی حاضر شد بازیکن خاصی را خصوصاً در

نیم‌فصل جذب نکند و حتی اردوی خارجی

آنها هم منتفی شد. به‌نظر می‌رسید تعامل خوبی بین طرفین حکمفرماست، اما بدتر شدن اوضاع مالی باشگاه و پرداخت نشدن معوقات بازیکنان باعث شد دایی در یک مصاحبه جنجالی به مدیران کارخانه‌سایپا حمله کند و متعاقباً آنرا دستمزد برکنار شود. دایی معتقد است پیش از بازی با ذوب‌آهن این تصمیم گرفته شده بود. او بعد از یک سال و ۳۵۵ روز از سایپا رفت و باید ببینیم دوباره در چه تیمی به فوتبال برمی‌گردد.

برای مدیریت به دنیا نیامده‌ام

دنیال این هستیم با مردم روراست باشیم ولی همیشه مورد اتهام هستیم. اگر بخواهم بگویم همه چیز گل و بلبل است، خیانت کرده‌ام. نمی‌توانم چیزی را ببینم و نگویم. افتخار می‌کنم سه بار به خاطر گرفتن حقم، اخراج شدم.

این افتخار من است. آدم‌هایی که فوتبالی نیستند و خورد و رোসاز هم نیستند، کسی را مدیر کارخانه اتومبیل‌سازی می‌گذارند که مدیر پتروشیمی بوده است. اینجا چه ربطی به هم دارد. خیلی چیزهاست که آدم نمی‌خواهد بگوید و دوست ندارم خیلی مسائل را بگویم. شاید چیزهایی را در دلم بگذارم. من برای مدیریت به دنیا نیامده‌ام. کسانی که مرا اخراج کردند، الان کجا هستند؟ مطمئن باشید آینده، بزرگ‌ترین قاضی است و همه چیز را نشان می‌دهد. آینده‌نشان می‌دهد علی دایی چه‌کسی بوده است، امثال

مدیرها چه کسی بوده‌اند، امثال گودرزی‌ها (وزیر پیشین ورزش) چه کسانی بوده‌اند. نسل‌های آینده می‌فهمند. عده‌ای شعار می‌دهند که ما فدایی مملکت هستیم. شما که عاشق مملکت هستید، چرا چند سال است بچه‌هایتان طرف آب زندگی می‌کنند، با این وضع دلار چقدر هزینه آنها می‌شود؟

خبر اخراجم ۲۴ ساعت زیرنویس شد!

چرا سایپا به بدهی‌های هزار میلیاردی‌اش اشاره نمی‌کند تا مردم و سهامدارانش بدانند. چرا اینها زیرنویس شبکه خبر نمی‌شود ولی خبر اخراج من که می‌دانم این آقا (مدیر) در صداوسیما با چه کسی صحبت کرده است، عین پلنگ صورتی ۲۴ ساعت می‌آید و می‌رود و زیرنویس می‌شود! فکر می‌کنید نمی‌فهمم؟ به این خاطر گفتم بعضی‌ها دوست دارند آرامش را از من بگیرند، با توجه به جاهایی که به آن وصل هستند.

گزارش

گزارش «فرهیختگان» از تمام جدایی‌های علی دایی

پایان معمولاً ناخوش

دایی‌علی دایی است! بدیهی‌ترین جمله ممکن درباره شخصیتی که نه شبیه کسی است و نه کسی می‌تواند شبیهش باشد. یک آدم

خاص به تمام معنا. مردی با پشتکار جادویی که نشدنی‌ترینش وجود ندارد، دارای روحیه‌ای جنگجویانه که مثل یک گلدیاتور مبارزه می‌کند و همیشه به دنبال پیروزی است. کم می‌خندد و در اکثر مواقع با چهره‌ای برافروخته شکار دوربین‌ها می‌شود. تا حدی انتقادناپذیر ولی به‌شدت چارچوب‌دار که از اصول خاصش معمولاً عقب‌نشینی نمی‌کند. نام‌علی دایی «مدام بر سر زبان‌هاست؛ یک‌بار به‌خاطر شایعه انتخابش به‌عنوان سرمربی تیم ملی، یک‌بار به‌خاطر برگزیده شدن در یکی از فستیوال‌های آسیایی و جهانی، گاهی برای کمک‌هایش به مردم سیل‌زده و زلزله‌زده، دفعه بعد به دلیل درگیری با آقای مدیر یا سرمربی سابق تیم ملی و گاهی اوقات به‌خاطر جدایی‌اش از تیمی که هدایتش را برعهده داشت. تقریباً ۱۳ سال می‌شود که شهریار فوتبال ایران یا به‌دنیای مربیگری گذاشته است و در این مدت او هدایت ۶ تیم را برعهده گرفته که در این بین پرسپولیس و سایپا در دو مقطع تحت‌امر او بوده‌اند. سه قهرمانی در جام حذفی و یک قهرمانی در لیگ برتر کارنامه‌ای است که تا اینجا برای دایی به‌ثبت رسیده است. با این حال، هیچ‌وقت دوران حضور آقای گل جهان روی نیمکت تیم از دو سال متوالی بیشتر نشده و در اکثر اوقات جدایی او با درگیری یا با ناراحتی‌های خاصی رقم خورده است. تقریباً تمام جدایی‌های مذکور در فصل بهار و خصوصاً در دی‌بهشت ماه بوده و این بار هم این اتفاق تکرار شد. گویا فصل بهار برای اسطوره فوتبال ایران با انفصال همراه است.

سایپا

۱۱ امتیاز از ۵ بازی برای سایپا با ورنر لورانت به دست آمده بود و آنها در صدر جدول قرار داشتند. با این حال، این سرمربی رفت تا هدایت تیم به علی دایی برسد. شماره ۱۰ نارنجی پوشان پس از جام جهانی ۲۰۰۶ فشارهای زیادی را تحمل می‌کرد، اما این پست را قبول کرد و در عین ناباوری توانست سایپا را برای اولین بار در لیگ برتر به مقام قهرمانی برساند؛ آن‌هم در شرایطی که مربی - بازیکن بود. دایی کشش‌هایش را آویخت و در فصل دوم فقط به‌عنوان سرمربی در جمع نارنجی پوشان حضور داشت. آنها در لیگ به توفیقی نرسیدند ولی در لیگ قهرمانان آسیا یک چهارم نهایی صعود کردند. نهایتاً در پایان فصل - بازی ۸۶-۸۷ دایی به خاطر گذاشتن تمام تمرکزش روی تیم ملی ایران از سرمربیگری سایپا کنار گذاشته شد.

تیم ملی ایران

۱۲ اسفند ۱۳۸۶ بود که طی یک انتخاب عجیب علی دایی به‌عنوان سرمربی



مدیرها چه کسی بوده‌اند، امثال گودرزی‌ها (وزیر پیشین ورزش) چه کسانی بوده‌اند. نسل‌های آینده می‌فهمند. عده‌ای شعار می‌دهند که ما فدایی مملکت هستیم. شما که عاشق مملکت هستید، چرا چند سال است بچه‌هایتان طرف آب زندگی می‌کنند، با این وضع دلار چقدر هزینه آنها می‌شود؟

خبر اخراجم ۲۴ ساعت زیرنویس شد!

چرا سایپا به بدهی‌های هزار میلیاردی‌اش اشاره نمی‌کند تا مردم و سهامدارانش بدانند. چرا اینها زیرنویس شبکه خبر نمی‌شود ولی خبر اخراج من که می‌دانم این آقا (مدیر) در صداوسیما با چه کسی صحبت کرده است، عین پلنگ صورتی ۲۴ ساعت می‌آید و می‌رود و زیرنویس می‌شود! فکر می‌کنید نمی‌فهمم؟ به این خاطر گفتم بعضی‌ها دوست دارند آرامش را از من بگیرند، با توجه به جاهایی که به آن وصل هستند.

